

کمیته پیگیری اعلامیه جهانی حقوق زبانیها مدافع اصل برابری همه جوامع زبانی است و معتقد است که اعضاء هر جامعه زبانی حق دارند در مدارس به زبان مادری خود تعلیم ببینند و در اداره ها و سازمانهای رسمی به زبان خود صحبت و مکاتبه کنند.

کار یونسکو در زمینه زبانیها در اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شد؛ گام اصلی، راه اندازی جدی طرح لینگواپکس (Linguapax) در سال ۱۹۸۶ بود. فلیکس مارتی سرپرست کمیته مشورتی برای چند زبانی و آموزش چند زبانه که در سال ۱۹۹۸ تاسیس شد، می گوید: طرح لینگواپکس عبارت است از پیوند میان تعلیم زبانیها و ترویج تفاهم و صلح بین المللی.

جوزف پات زباتشناس می گوید:

ما باید سه زبانی را ترویج کنیم و با آموزش زبانیهای کوچک آنها را نجات دهیم. سه زبانی که باید یاد بگیریم، یکی زبان مادری، دومی زبان همسایگانمان و سومی زبان بین المللی است؛ او می افزاید، زبان تا وقتی که بخشی از برنامه درسی نباشد در معرض خطر نابودی است.

امین مآلوف نویسنده لبنانی (۱۹۴۹) می گوید:

برای آنکه بتوان در دنیای کنونی احساس آسودگی کرد لازم است فرد مجبور نباشد برای ورود به آن، زبانی را که نشانه هویت اوست کنار بگذارد.

هاینریش بل نویسنده آلمانی (۱۹۱۷ - ۱۹۸۵) نیز می گوید:

بهترین راه تعلق داشتن به مردم، نوشتن به زبان آن مردم است.

آداما او آته معتقد است: سواد آموزی به زبان مادری از امتیاز خاصی برخوردار است زیرا در این نوع سواد آموزی شخص با زبانی شروع به آموزش می کند که قبلا آنرا یاد گرفته است، برعکس سواد آموزی به زبان بیگانه این روند را بسیار پیچیده می کند.

ایران یکی از کشورهای چند زبانه ای است که زبان فارسی تنها زبان رسمی، دولتی و زبان تحصیل از ابتدایی تا پایان دانشگاه برای همه ملیتها و قومیتها با زبانیها و فرهنگهای مختلف است؛ در ایران فقط ارمنه ایران با جمعیت حدود ۱۵۰ هزار نفری می توانند در کنار زبان رسمی فارسی به زبان ارمنی هم در مقاطع مختلف تحصیل کنند، بقیه افراد جامعه، بخصوص ترکها که اکثریت نسبی و حداقل بیش از ۳۲ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیون نفری کشور را تشکیل می دهند از این حق برخوردار نیستند!

ترکهای ایران با داشتن جمعیت چند ده میلیونی، نه تنها حتی به اندازه اقلیت ارمنه از تحصیل به زبان خود برخوردار نیستند گاهی برگزاری مراسم ساده "روز جهانی زبان مادری" و در حد محدود هم برای آنها دردرساز شده با محدودیتها، موانع و بازداشتهای نیروهای امنیتی مواجه می شوند.

دکتر رضا براهنی برای خارج نشینهای فارس زبانی که در آنجا هم مخالف تدریس زبان ترکی هستند میگوید:

"تعجب می کنم که عده ای در کشور چندزبانه ای مثل کانادا زندگی کنند و ده ها مجله به زبان فارسی داشته باشندو شبانه روز در جلسات مختلف از هر چیزی دفاع و به هر چیزی حمله کنند، اما وحشتناک از این باشد که مبادا در شهری مثل تبریز تابلوی مغازه ای به زبان مادری آن مردم باشد و میلیونها آذربایجانی و کرد و ترکمن و بلوچ حق یادگیری زبان مادری خود را در مدارس و دانشگاه ها نداشته باشند... نه تقصیر من است نه تقصیر شما که ایران از نظر زبانی کشوری است تجزیه شده، اما نه از نظر حدود و ثغور. بر شماست که تجزیه ی زبانی را از بین ببرید، و معنای آن بریدن زبان مادری خلائق میلیونی نیست، آفریدن تمهیداتی است برای جبران مافات، جبران خسران های چندین قرنی، بویژه خسران حاضر، که در آن یادگیری زبان مادری به معنای حفظ سلامت روانی جماعات انبوهی از مردمان کشور ماست، به دلیل اینکه شقاق روانی حاکم بر جامعه را تنها با درك علوم جدید می توان حل کرد."

بعضی از مسئولین کشوری هم، چون دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان فارسی و بنیاد سعدی معتقد است که تحصیل به زبانهای غیر فارسی بخصوص ترکی، می تواند به تضعیف زبان فارسی منجر شود؛ اما ما معتقد هستیم تنوع زبانی و فرهنگی در ایران یک فرصت است نه یک تهدید و "گلستان زبانی و فرهنگی ایران" با رشد و نمو تمام گلهای رنگارنگ و معطر زبانی و فرهنگی، زیبا و چشم نواز است نه با رشد و شکوفایی یک گلزبان و پژمردگی و مردگی گلزبانهای دیگر کشور.

وانگهی اگر زبان فارسی اینقدر ضعیف و نحیف و مریض است که با اینهمه هزینه برای توسعه و شکوفایی اش و با فرهنگستان عریض و طویلش برای ساخت یک واژه جدید چون "زیرموشی" به جای "موس پد" میلیونها تومان هزینه می شود، باز بقا و زندگی خود را در مرگ زبانهای دیگر می بیند آیا منصفانه و عادلانه نیست زبانی که قدرت و توانایی شکوفایی بیشتری دارد موظف و عهده دار نقش زبان فارسی در کشور شده رشد و نمو دیگر زبانها را هم در کنارش ببیند؟

زبان فارسی چه زبان ضعیف و مریض و بی محتوا و یا زبان قوی، پرمحتوا و غنی باشد، برای آنهاییکه زبان مادریشان فارسی است شیرین و عزیز و محترم است و تحصیل و آموزش آن برای گویشوران آن ابتداییترین حق انسانی است، همانطوریکه زبان ترکی برای حد اقل جمعیت ۳۲ میلیونی ترکان ایران زبان شیرین، عزیز و محترم بوده و تحصیل و آموزش آن برای ترکان ایران ابتدایی ترین حق انسانی آنهاست. طبیعی است آموزش دیگر زبانهای غیر فارسی هم با توجه به نسبت کثرت جمعیت آنها در محدوده جغرافیایی گویشوران آن در کنار زبان رسمی لازم است.

زبان هر ملتی سند هویت و موجودیت آن ملت و ثروت معنوی آنهاست و بدون تحصیل و تدریس آن در مدارس و دانشگاهها و به صورت کلاسیک، این زبان در یک پروسه زمانی تحت تاثیر زبان حاکم قرار گرفته و لغات، کلمات و واژه های زبان حاکم جای لغات و واژه های اصیل آن زبان را اشغال کرده و به تدریج زبان محکوم را خالی از منابع اصیل خود کرده از میدان به در کرده در یک پروسه زمانی از بین خواهد برد.

برای جلوگیری از مرگ زبانها ۱۷۸ کشور از کشورهای عضو سازمان جهانی یونسکو با صدور قننامه ای در سال ۱۳۷۸ خواستار تدریس سه زبان در مدارس شدند (روزنامه عصر آزادگان، شماره ۳۶ ص ۴ شنبه مورخ ۲۹ آبان ۱۳۷۸). زبان مادری و آموزش آن به قدری مهم و حیاتی است که رهبر انقلاب اسلامی آیت اله خامنه ای هم گفته است: "یک ملت زبان خود را که از دست داد، یعنی از گذشته خود، تاریخ خود، از سنتهای گرانقدر خود منقطع و جدا می شود."

(روزنامه اطلاعات شنبه ۱۶ مهر ۱۳۷۹ شماره ۲۲۰۲۹، " ۷ اکتبر سال ۲۰۰۰" ص ۲)

پایان



Liqa, S.Bakva. Sagirdor: - Ay mirza, bas bizim da dilmiz var, son Allah, qoy onu da bir az öyrönak. Müallim: - Yes, olmaz! Türk dili olmaz! Garak bunu soxam boğazınıza.

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

21 فوریه همه ساله به عنوان روز بین المللی زبان مادری در سراسر دنیا گرامی داشته می شود. این تصمیم در 30 مین کنفرانس عمومی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)، که از تاریخ 26 اکتبر تا 17 نوامبر سال 1999 در پاریس برگزار شد، اتخاذ گردید. یونسکو متوجه تهدید شدن تنوع زبانی در اثر جهانی شدن ارتباطات و استیلای زبانی (زبان انگلیسی) و همچنین تمایل به استفاده از یک زبان شد و لذا به اهمیت اعلام روز جهانی زبان مادری جهت تقویت و ترویج گونه گونی فرهنگی پی برده شد.

زبان حامل اصلی فرهنگ یک جامعه و ملت است. همچنین زبان قویترین ابزار حفظ و توسعه میراث ملموس و غیرملموس ملی است. در طول تاریخ جهان، فرهنگ ها و تمدنهای زیادی بدلیل مرگ زبانشان، از هم فروپاشیده، تخریب و مضحمل شده اند. تخمین زده می شود در حال حاضر در جهان حدود 6000 تا 7000 زبان وجود داشته باشد. گرامیداشت روز زبان مادری، در حقیقت پاسداشت سنن و آداب فرهنگی و زبانی و درک بهتر و کاملتر تنوع فرهنگی جهانی است که در نهایت منجر به افزایش تفاهم، درک متقابل بین المللی، تحمل بیشتر و احترام به تفاوتها و همچنین گفتگوی فرهنگها خواهد شد. همچنین این روز، تعهد و مسئولیت جهانی در حفظ و نگهداشت زبانها را یادآور می گردد و اهمیت تلاشهای فزاینده برای بقای زبانها به عنوان میراث مشترک کل بشریت را بیش از پیش مبرهن می سازد.

اینکه یونسکو روز 21 فوریه را به عنوان روز جهانی زبان مادری معرفی نموده است، ریشه در مقطع تاریخی قهرمانانه ملت بنگلادش دارد. این روز یادآور دفاع عاشقانه، سرافرازانه و افتخارآمیز جوانان بنگلادشی در مبارزه برای احقاق حقوق زبانی خود می باشد. برای حفظ و پاسداشت زبان مادری، مردم بنگلادش در 21 فوریه 1952 جانانه مبارزه کردند و حیات خود را قربانی آمال و زین خود نمودند. حوادث این روز بسیار دردناک، حزن انگیز و در عین حال قهرمانانه بوده و ملت بنگلادش به آن مباحثات می ورزند. بدنبال مجاهدت های مردم بنگلادش و علیرغم مقاومت سرسختانه حاکمیت وقت پاکستان، دولت مجبور شد زبان بنگالی را، که حدود 50 درصد جمعیت کشور پاکستان در آن زمان به آن تکلم می کردند، را به عنوان زبان رسمی بپذیرد. به باور بعضی، رویدادهای این روز، زمینه استقلال کشور بنگلادش از پاکستان در سال 1971 را فراهم ساخت. از سال 1952 مردم بنگلادش این روز را به عنوان روز شهید گرامی می دارند و به یاد شهدای جوان و حتی کودک این روز مراسم بزرگداشت برگزار می کنند. بنای یادبود شهید منار در مجاورت کالج پزشکی شهر داکا جهت گرامیداشت یاد و خاطره شهدای این رویداد ماندگار تاریخی ساخته شده است.

اهمیت زبان مادری

زبان مادری، زبانی است که کودک اولین ارتباط با پدر و مادر خود را با آن زبان برقرار می سازد. زبان مادری زبانی است که شخص فارغ از محل زندگی، هرگز آن را فراموش نمی کند. زبان مادری منشوری است که اولین مفاهیم و تصورات کودک از دنیای اطراف را تعیین و مجسم می کند. ارتباط بین زبان مادری و قوه تفکر غیرقابل انکار و غیرقابل تفکیک هست. زبان مادری نمایانگر فرهنگ، میراث نیاکان و اندیشه هر فرد هست.

مورخ اسکاتلندی، توماس کارلیل، زبان را کالبد و بدنه اندیشه می داند. این بدان معناست که اگر زبان مادری فرو بپاشد یا آسیب ببیند، بی شک افکار و اندیشه ها خواهند مرد. محسن رناتی، پژوهشگر و نظریه پرداز مطرح کشور، قتل زبان مادری در ایران معاصر را از عوامل توسعه نیافتگی و فقر در کشور می داند.

همانطور که در بالا گفته شد، حدود 6000 تا 7000 زبان در جهان وجود دارد. 50 درصد جمعیت 7 میلیاردی جهان تنها به پنج درصد زبانها (زبانهای مهمی مثل انگلیسی، چینی، عربی، فرانسوی، ...) حرف می زنند و 50 درصد بقیه جمعیت، گویشوران 95 درصد زبانهای دنیا هستند. به بیان دیگر تنها 5 درصد زبانها گویشور کافی و زیاد دارند و 95 درصد زبانها سخنگوی اندکی دارند که گاهی در مواردی بعضی زبانها کمتر از 100 نفر گویشور دارند. کارشناسان بر این باورند که نیمی از زبانهای کنونی تا اواخر سده حاضر از دنیا رخت برخوانند بست و بشریت میراث غنی فکری و ذهنی کهن و دانش بومی ارزشمند را از دست خواهد داد.

وضعیت زبانی در ایران

ایران در طول تاریخ کشوری چند قومی و چند زبانه بوده است. در حال حاضر نیز، سایت اتنولوگ (2010)، به عنوان معتبرترین مرجع مربوط به زبانها، که وابسته به سازمان یونسکو می باشد، تعداد زبانها در ایران را 78 زبان اعلام کرده است. به قدرت رسیدن پهلوی ها در تاریخ معاصر ایران و سیاست یکسان سازی آنان نیتشه در ریشه تنوع فرهنگی کشور انداخت. حاکمان پهلوی با تئوری یک کشور، یک ملت و یک زبان کمر به نابودی و ریشه کن سازی هر گونه اثر چندگانگی زبانی بستند. در این راستا، تمرکز ثروت در مناطق مرکزی، کوچ اجباری، تحقیر و تبعیض اقوام، مهاجرت و سایر راهبردهای تبعیض آمیز را در جهت نیل به اهداف خود در پیش گرفتند. جنبش هایی نیز توسط جوامع تحت ستم در اعتراض به این اعمال حاکمیت شکل گرفت که شديدا سرکوب گردید و فجایعی انسانی در مناطق آذربایجان را در آذر 1325 سبب شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطالبات حداقلی زبانی اقوام در قانون اساسی و اصل 15 گنجانده شد و اصل 19 نیز به برابری تمامی اقوام تاکید دارد.

سیاستهای پهلوی پیامدهای ناگوار و بلندمدتی در جوامع قومی داشته است و به قول حسن راشدی، پژوهشگر آذربایجانی، جوانان آذربایجانی را دچار بحران هویت کرده است و عقده خودکهنترینی در بعضی از ایشان ریشه دوانده است. متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان بعضی از مشکلات وجود داشته است. زبان ترکی آذربایجانی با جمعیت بسیار بالا، آمار دقیقی در این باره وجود ندارد آمار غیررسمی جمعیت ترکان آذربایجان را بیش از 25 تا 40 میلیون تخمین می زنند، آقای صالحی وزیر امور خارجه دولت قبل در سفر به ترکیه در پاسخ به سوال خبرنگار اظهار داشت حدود 40 میلیون نفر به ترکی در ایران تکلم می کنند، جایگاهی در سیستم آموزشی، اداری، قضایی و... کشور ندارد. بدیهی است در شرایطی که این وضعیت برای این زبان با این تعداد گویشور وجود دارد وضعیت بهتری برای سایر زبانهای قومی قابل تصور نخواهد بود.

وضعیت زبانهای قومی مثل ترکی آذربایجانی، عربی، بلوچی، کردی و... تقریباً مشابه هم هست ولی وضعیت زبانهای با جمعیت گویشور کم مثل زبان تاتی، کرینگانی، حادثتر و وخیم تر هست و خیلی از این زبانها در وضعیت بسیار ناایمن و در معرض مرگ و زوال قرار دارند.

عوامل متعدد مؤثر در حفظ و پاسداشت زبان از طرف پژوهشگران و جامعه شناسان زبان مطرح گردیده است که تعدادی از آنها عبارتند از:

1. تعداد گویشوران به زبان (جمعیت جامعه زبانی)
2. انتقال بین نسلی زبان (اینکه کودکان زبان مادری را از والدین خود می آموزند یا نه)
3. میزان کل جمعیت جامعه زبانی نسبت به جمعیت کل زبان رسمی کشور (مثل نسبت جمعیت ترکی آذربایجانی به فارسی هر چقدر بیشتر باشد زبان ایمن تر خواهد بود)
4. موجود و در دسترس بودن مواد و مطالب آموزشی به زبان مورد بررسی
5. استفاده و کاربرد زبان مورد بررسی مثلا ترکی آذربایجانی در حوزه های کاربردی نوین مثل نوشتن پیامک، نوشتن ایمیل، چت کردن، استفاده در شبکه های اجتماعی و اپلیکیشن های همراه،

6. میزان وجود مستندات مثل فرهنگ لغت، کتب ریشه شناسی واژگان، چاپ کتب، و مطالب نوشتاری، سیستم نوشتاری یعنی الفبا، دستور زبان و... به زبان موردنظر

7. نگرش و سیاست دولت نسبت به استفاده و کاربرد و جایگاه زبان مورد بررسی (که متأسفانه در تاریخ معاصر نگرش نسبت به زبانهای غیرفارسی ایران غیر بنیادین و غیر علمی و ناکارآمد بوده است)

8. تغییر در حوزه های کاربردی (مثلا محدود کردن زبانی خاص به محیطهای صرفا دوستانه و خصوصی و محروم نمودن آن از عرصه های اجتماعی و عمومی)

9. نگرش خود جامعه زبانی نسبت به زبان مادری خود (اینکه گویشوران یک زبان مثلا زبان ترکی به زبان خود عشق می ورزند یا نه؟ خود را متعهد و مؤلف به پاسداشت این زبان می دانند یا نه؟ موسیقی خود را ارج می نهند؟ با شخصیتهای تاریخی، علمی،... خود آشنایی دارند؟.....)

هر یک از معیارهای فوق می تواند از زوایای متعدد و با بیان مصادیق و گردآوری داده از جوامع مختلف زبانی در ایران مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد. بدیهی است حفظ و بقای زبانها در سطح کلان وظیفه نهادهای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی دولت است و باید با تاسیس فرهنگستانها برای هر یک از زبانهای قومی آینده آنها را تضمین نماید. مستندات لازم برای ثبت و ضبط زبانهای در معرض خطر با تامین کمک هزینه های مورد نیاز آموزشی و پژوهشی را گردآوری کند. اصلاحات و الحاقات لازم در متون و مواد آموزشی برای احترام به زبانهای بومی را به اجرا در آورد. امکان

فعالیت و بسط و ترویج زبانها را به جوامع مختلف با زدودن نگاه امنیتی فراهم سازد...

وظیفه دولت نافی مسئولیت خود جوامع زبانی در حفظ و نگهداشت زبان مادری نیست. بسیاری از صاحب نظران معتقدند که نقش خود گویشوران یک زبان در بقای زبان اگر بیشتر از نقش دولتها نباشد کمتر از آن نیست. نوشته حاضر را با ارائه چند راهکار ساده ولی در عین حال بسیار مفید و مؤثر در حفظ زبان مادری به پایان می رسانیم.

1. یاد دادن زبان اصیل مادری به فرزندان که اصلی ترین شرط بقای زبان هست.

2. انتخاب اسامی اصیل و معنادار به زبان مادری برای کودکان و همچنین محل کار و ...

3. استفاده حداکثری (خواندن و نوشتن) از زبان مادری در زندگی روزمره در ارتباط با دوستان، همکلاسی ها در صورتیکه هم زبان هستیم (در نوشتن پیامک، ایمیل، تلگرام، ...)

4. هدیه دادن کتب و مطالب و مواد فرهنگی به زبان مادری در مناسبتهای مختلف

5. استفاده و ارج نهادن به موسیقی به زبان مادری

6. تلاش برای استفاده از واژگان اصیل زبان مادری و تشویق دیگران به این امر

7. مطالعه و کنکاش مستمر در حوزه تاریخ و ادبیات....جامعه خود

8. مشارکت در کلاسهای خصوصی به زبان مادری

9. درخواست آموزش، ترویج و تقویت زبان مادری از متولیان امر در هر شرایط ممکن

21 فوریه روز جهانی زبان مادری مبارک باد



صاحب امتیاز: کانون فرهنگ و اندیشه
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

مدیر مسئول: علی شیر پور

سرمدیر: آرزو سلمانی رفعت

طراح: آیناز سلمانی رفعت